

نشست شورای امنیت سازمان ملل؛

نمایندگان کشورهای کارکردهای طالبان انتقاد کردند



نشست شورای امنیت سازمان ملل با حضور نمایندگان برخی از کشورهای جهان در مقر این سازمان برگزار شد. در این نشست ویژه مسائل امنیتی و فعالیت‌های هراس‌افگنی در جهان، نمایندگان برخی از کشورها به شمول ایالات متحده آمریکا، ضمن انتقاد از کارکردهای طالبان در بخش مبارزه با تروریسم و وضع محدودیت از سوی این گروه علیه زنان...

محدودیت‌های غربت؛

ورزشکار افغان که نتوانست به مسابقه‌های بین‌المللی راه یابد



تشبیت سوپه یا رشد بنیادگرایی؛

طالبان بدون رفتن به مکتب و دانشگاه سنده می گیرند



عبدالباقی حقانی، رییس اداره ملی امتحانات طالبان، گفته است که افزون بر این، زمینه تحصیل عالمان دین در بیرون از کشور نیز فراهم خواهد شد. روند اخذ آزمون تشبیت سوپه تحصیلی عالمان دینی در حالی آغاز شده است که پیش از این طالبان در برخی از ولایت‌ها از توزیع فورم تشبیت سوپه عالمان دین خبر داده‌اند.



توبیاس الوود؛

خروج بریتانیا از افغانستان که منجر به بازگشت طالبان شد، باید صادقانه بررسی شود



فصل تاریکی برای بریتانیا بود. کمیته دفاعی مجلس نمایندگان بریتانیا به ریاست الوود از دولت خواسته تا به گونه صادقانه در مورد خروج بریتانیا از افغانستان که منجر به بازگشت طالبان شد، تحقیق کند. نمایندگان بریتانیا با ارایه گزارش ۳۰ صفحه‌ای گفته‌اند که افغانستان دوباره به پناهگاه تروریست‌ها تبدیل شده است. گزارش ۳۰ صفحه‌ای کمیته دفاعی مجلس بریتانیا سرعت سقوط دولت افغانستان را «غافل‌گیرکننده‌تر از آنچه برای تشکیلات نظامی ممکن بود»، خوانده است.

۸صبح، کابل: رییس کمیته دفاعی مجلس نمایندگان بریتانیا در نشستی نسبت به خروج این کشور از افغانستان انتقاد کرده است. به گزارش رسانه‌های بریتانیایی، توبیاس الوود روز پنج‌شنبه، ۲۰ دلو، گفته است که خروج از افغانستان

بهرامی؛ طالبان برای بیرون شدن از انزوا باید شاخص‌های حکمرانی‌شان را اصلاح کنند



۸صبح، کابل: محمدرضا بهرامی، دبیرکل و سفیر پیشین ایران در افغانستان، می‌گوید که طالبان برای بیرون شدن از انزوا، باید اصلاحات عمیق شاخص‌های حکمرانی خود را در دستور کار قرار دهند. سفیر پیشین ایران در افغانستان این مطلب را جمعه‌شب، ۲۱ دلو، در توییتی بیان کرده است. بهرامی نوشته است: «البته موضوع شاخص‌های حکمرانی موضوع جنگ قدرت درونی طالبان است که در کوتاه‌مدت به دلیل اجماع آنان بر اولویت اصل بقا، بعید است اتفاق بیفتد.» به باور سفیر پیشین ایران در افغانستان، اصلاح شاخص‌های حکمرانی طالبان یکی از دو اختلاف و شگاف درون‌گروهی این گروه است. شیوه حکمرانی و نوعیت نظام طالبان یکی از مواردی است که همواره از سوی جهان مورد انتقاد قرار گرفته و بر همه‌شمول ساختن حکومت در افغانستان تأکید شده است.

روسیه؛

صادرات نفت و مواد غذایی را به افغانستان افزایش می‌دهیم

۸صبح، کابل: دیمیتری ژیرنوف، سفیر روسیه برای افغانستان، گفته است که کشورش قصد دارد تا حجم صادرات مواد سوختی به افغانستان را افزایش دهد. به گزارش اسپوتنیک، ژیرنوف روز جمعه، ۲۱ دلو، به تلویزیون روسیه ۲۴ گفته است: «در عمل این قراردادهای تجاری هستند. در ازای آن پول دریافت می‌کنیم. ما در حال حاضر عرضه سوخت و مواد غذایی را به افغانستان افزایش می‌دهیم.» سفیر روسیه همچنان افزوده است که در طول سال حجم تجارت بین روسیه و افغانستان ۴۰ درصد افزایش یافته است. پیشتر ضمیر کابلوف، نماینده روسیه در امور افغانستان، گفته بود که روسیه و گروه طالبان توافق‌نامه اصولی برای همکاری در مورد دادوستد کالاهای ضروری مثل گندم و فرآورده‌های نفتی دارند. در همین حال، در اواخر سال ۲۰۲۲، نورالدین عزیز، وزیر اقتصاد طالبان، به روسیه رفت و آن‌جا قرارداد واردات گندم و نفت از روسیه را امضا کرد. به گزارش اسپوتنیک، بر بنیاد قرارداد عقدشده میان دو طرف، روسیه قرار است سالانه دو میلیون تن گندم به افغانستان صادر کند. روسیه از جمله کشورهایی است که تمایل به رابطه اقتصادی با گروه طالبان دارد.



فرار گروهی و جست‌وجوی «یک زنده‌گی معمولی»

در حال حاضر این رژیم توتالیتر، با دخالت در کلیه امور زنده‌گی، داشتن «یک زنده‌گی معمولی» را به حسرت مبدل کرده است.



زلزله‌ای که سیاست و اجتماع ترکیه را لرزاند

به تاریخ ششم فبروری در فاصله ۹ ساعت دوزلزله شدیدی (۷٫۸ و ۷٫۵ درجه ریشتر) جنوب‌شرق ترکیه و بخش‌هایی از سوریه را لرزاند.





دولت و فراتر از دولت

حوادثی که کل جامعه یا بخش بزرگی از آن را متأثر می‌سازد، مرزهای امکانات جامعه و محدودیت‌های آن را آشکار می‌کند. جامعه هنگام بحران‌ها و فاجعه‌های بزرگ، بیشتر از زمان‌های دیگر به نقاط قوت و کاستی خود آگاه می‌شود. زلزله فاجعه‌آمیز اخیر که دامن دو کشور ترکیه و سوریه را گرفت، اهمیت وجود دولت و نهادهای سیاسی-مدنی را برجسته ساخت. در ترکیه واکنش‌های محلی، ملی و بین‌المللی بسیار سریع‌تر و وسیع‌تر از سوریه انجام شد و چشمان رسانه‌ها و دولت‌ها نیز بیشتر از سوریه متوجه ترکیه بوده است، چرا که ترکیه در رادار جهان قرار داشت و صاحب دولت، نهادهای فعال و سیستم‌هایی برای تماس و اطلاع‌رسانی در درون جامعه آن کشور و سراسر جهان بود. سوریه با آن‌که ویرانی و تلفات بسیار متحمل شده است، اما کمتر از ترکیه به چشم آمد و مردم آن سرزمین دچار بحران، بی‌نهادی و بی‌دولتی خیلی دیرتر از آسیب‌دیده‌گان ترکیه، از عواقب این فاجعه رنج خواهند کشید. داشتن دولت و نهادهای فعال امتیاز بزرگی است. ملت‌هایی چون سوریه‌ها و افغان‌ها که پس از سال‌ها جنگ و پروژه‌های ویرانی، در سیاه‌چال بی‌دولتی و بی‌نهادی رها شده‌اند، بسیار بیشتر از ملل دیگر در جنگ حوادث آسیب می‌بینند.

در ترکیه، زلزله ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی نسبتاً قدرت‌مند جامعه را آشکار کرد. دولت با امکانات نسبتاً وسیع وارد عرصه جست‌وجو و نجات شد، اما مهم‌تر از آن احزاب، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و نهادهای مختلف مذهبی، فرهنگی و اجتماعی برای جمع‌آوری کمک و بسیج منابع دست به کار شدند. گفته می‌شود که کمک‌های گردآوری شده غذایی، پول و پوشاک بیشتر از ظرفیت سیستمی بود که باید توزیع آن‌ها را مدیریت می‌کرد. محدودیت ظرفیت سیستم، در این‌جا دولت و نهادهای اختصاصی آن مسأله مهم است. این فاجعه طبیعی روشن کرد که حتی دولت‌های نسبتاً قوی که در جنگ مهارت بسیار دارند، تسلیحات و ابزار جنگی‌شان فراتر از مرزهای ملی بازار یافته، در منازعات سیاسی گوشه‌وکنار جهان دخالت می‌کنند و سازمان‌ها و ادارات پرشاخه و بروکراسی پیچیده دارند، در حوادثی از این دست بسیار کوچک و ناتوان ظاهر می‌شوند. این کشورها ظرفیت رسیده‌گی به میلیون‌ها آسیب‌دیده را در محدوده زمانی لازم ندارند. در این مواقع دولت اگر با نگاه انحصاری معمول سیاسی و جغرافیایی به قضیه برخورد کند، به مانع بزرگ بدل می‌شود. حتی قوی‌ترین دولتی که خزانه‌هایش پر از پول و ذخیره‌گاه‌هایش مالا مال از بم و ابزار جنگی باشد، قادر نیست به تنهایی و بدون همکاری نهادهای غیردولتی داخلی، احزاب، سازمان‌های اپوزیسیون و توده مردم کاری از پیش برد. هرچه در این مواقع دولت متعصب و انحصارگر باشد، بیشتر به مردم آسیب می‌زند و مانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های نهفته در اجتماع می‌شود. در حوادثی از این دست، امکانات ملی نیز حتی اگر به بهترین وجه ممکن به‌کار افتد و دولت نیز مانع بسیج آن نشود، کافی نیست و نیاز جدی به همکاری بین‌المللی به‌میان می‌آید.

در این مواقع بیهوده‌گی غرورهای کاذب ملی افشا می‌شود و لاف‌هایی که سیاست‌مداران و مبلغان ناسیونالیسم افراطی سرمی‌دهند، و تبلیغاتی که درمورد خودکفایی و توانایی‌های فوق‌العاده ساکنان یک سرزمین و نهادهای ملی آن کشور به‌گراف انجام می‌گیرد، همه چون دود به هوا می‌روند، و نیاز بشر به همبستگی و همکاری جهانی عریان می‌شود. با افزایش احتمال بحران‌های اقلیمی، شیوع امراض همه‌گیری چون کرونا، چالش‌های تروریسم و افزایش دسترسی دولت‌ها به تسلیحات کشتار جمعی و دیگر تهدیدهای بالقوه جهانی که مرز ظرفیت‌ها و امکانات ملی را عبور می‌کنند، اندیشیدن به داشته‌های فراتر از دولت (نهادهای اجتماعی، احزاب و اتحادیه‌هایی که همبستگی داخلی را تحقق بخشند، و سازمان‌ها و نهادهایی که زمینه اقدام به‌موقع بین‌المللی را فراهم سازند، برای بشر حیاتی است.

ایلان ماسک: طالبان با نشر ویدیوهای زنده در توئیتر وقت می‌گذرانند



۸صبح، کابل: در پی نشر مطلبی از سوی روزنامه تلگراف بریتانیایی در مورد این‌که طالبان به توئیتر وابسته شده‌اند، ایلان ماسک، مالک پرند آبی، به آن واکنش نشان داده است. ایلان ماسک روز جمعه، ۲۱ دلو، با بازنشر متنی از مطلب روزنامه تلگراف گفته است که طالبان با نشر ویدیوهای زنده در توئیتر وقت می‌گذرانند. در مطلب تلگراف که چهار روز پیش نشر شده است، به مشکلاتی که جنگ‌جویان طالبان در شهرها با آن روبه‌رو هستند، پرداخته شده است. در بخشی از آن مطلب آمده است: «جنگ‌جویان طالبان که از ترافیک خسته شده‌اند و از جنایات خیابانی می‌ترسند، در توئیتر گیر افتاده‌اند. آنان پس از دهه‌ها جنگ، روستاهای خود را ترک کرده و به کابل آمده‌اند، اما با مشکلات روزمره زنده‌گی شهری

دست‌وپنجه نرم می‌کنند.»

در همین حال، یکی از کاربران توئیتر زیر پست ایلان ماسک نوشته است که طالبان در حال تمجید از بم‌گذاری‌های انتحاری و ترویج تروریسم در پلتفرم شما هستند و این شبکه به ستون فقرات طالبان تبدیل شده است. او با هشتک (#bantaliban) از ماسک خواسته تا دست این گروه را از توئیتر کوتاه کند. گفتنی است که طالبان از پلتفرم توئیتر برای تبلیغات‌شان استفاده زیادی می‌کنند و در مواردی این شرکت حتی در بدل پول به اعضای این گروه مارک آبی نیز داده است. این در حالی است که شماری از شهروندان کشور گاه‌با نشر هشتک‌هایی، خواستار حذف حساب‌های کاربری طالبان در توئیتر شده‌اند.

فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران: مرتضا بهبودی فوراً آزاد شود



ممکن را برای آزادی فوری همکار ما انجام دهند.» به گفته این نهادها، بازداشت و زندانی کردن روزنامه‌نگاران، حمله بر آزادی اطلاع‌رسانی است. فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران گفته است که بهبودی می‌خواست مجوز آغاز دوباره کار در افغانستان را بگیرد که از سوی طالبان بازداشت شد. طالبان تا کنون در مورد بازداشت مرتضا بهبودی چیزی نگفته‌اند.

بهبودی پس از تسلط طالبان بر افغانستان از کشور رفت و سپس در برگشت به افغانستان برای آغاز کار دوباره رسانه‌ای در ۷ جنوری سال جاری از سوی طالبان بازداشت شد و تا کنون از سرنوشت وی اطلاعی در دست نیست.

۸صبح، کابل: پس از ۱ ماه بازداشت مرتضا بهبودی، روزنامه‌نگار فرانسوی-افغان، فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران خواستار آزادی وی از سوی طالبان شده است.

این فدراسیون با نشر اعلامیه‌ای روز جمعه، ۲۱ دلو، گفته است که در کنار اتحادیه روزنامه‌نگاران فرانسه به فراخوان آزادی بهبودی پیوسته است. در اعلامیه این فدراسیون آمده است: «[نهادهای خبرنگاری فرانسه] انتظار دارند که طالبان هر کار

سفارت طالبان در اسلام‌آباد خواستار روشن شدن سرنوشت افغان‌های ناپدیدشده در پاکستان شد



افغانستان در این کشور نیز گفت‌وگو کرده‌اند. یوسف نسیم کوکر، معین وزارت امور داخله پاکستان، از آماده‌گی کشورش برای رسیده‌گی به مشکلات مطرح‌شده افغان‌ها در پاکستان اطمینان داده است. این مقام وزارت امور داخله پاکستان یک نماینده ویژه را برای حل مشکلات شهروندان افغانستان به سفارت طالبان در اسلام‌آباد معرفی کرده است. گفتنی است که حدود یک ماه پیش گزارش‌هایی مبنی بر ناپدیدشدن بیش از ۲۰ شهروند افغانستان که از مسیر قاجاق به پاکستان می‌رفتند، نشر شد. تاکنون از نوشت آن‌ها اطلاعاتی در دست نیست.

۸صبح، کابل: سفارت طالبان در اسلام‌آباد خواستار روشن شدن سرنوشت افغان‌های ناپدیدشده در پاکستان شده است. صفحه کاربری سفارت طالبان در اسلام‌آباد در توئیتر، شام جمعه، ۲۱ دلو، در رشته‌توییتهای از دیدار سردار احمد شکیب، سرپرست این سفارت با یوسف نسیم کوکر، معین وزارت امور داخله پاکستان، خبر داده است. بربنیاد اطلاعات نشرشده، در این دیدار دو طرف افزون بر روشن شدن سرنوشت افغان‌های ناپدیدشده در پاکستان، در خصوص مشکلات شهروندان

شیخ‌های قطر در حضور سران طالبان به شکار پرنده‌گان نایاب پرداختند

۸صبح، فراه: منابع محلی در فراه می‌گویند که شماری از شیخ‌های قطری برای به دام انداختن پرنده‌گان نایاب، صدها پرنده شکاری را در حضور مقام‌های طالبان در دشت‌های این ولایت رها کرده‌اند.

یک منبع معتبر محلی در فراه به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این پرنده‌گان روز چهارشنبه، ۱۹ دلو، در طبیعت رها شده‌اند.

به گفته منبع، شمار پرنده‌گان رهاشده به ۲۰۰۰ بال می‌رسد و حین رهاسازی آن‌ها به دل طبیعت در فراه، افزون بر شیخ علی بن عبدالله آل ثانی، رئیس موسسه العرافه قطر، حافظ عزیزالرحمان، سرپرست اداره ملی حفاظت محیط طالبان و رئیس میراث‌های طبیعی این اداره نیز حضور داشته‌اند.

اطلاعات منبع حاکی از آن است که پرنده‌گان رهاشده، آموزش دیده بوده و برای شکار پرنده‌گان نایاب، رها شده‌اند.

در همین حال حامد صافی، رئیس میراث‌های طبیعی اداره ملی حفاظت محیط زیست طالبان، گفته است که پرنده‌گان رهاشده در طبیعت فراه «حباری» نام دارند و به منظور جلوگیری از انقراض نسلی ۲۰۰ بال آن به آغوش طبیعت فرستاده شده‌اند.

قوانین محیط زیستی افغانستان، شکار پرنده‌گان را منع کرده است.

بربنیاد روایت باشنده‌گان فراه، شیوخ قطر از ۱۰ سال به این‌سو پرنده‌گان نایاب را از دشت‌های این ولایت شکار می‌کنند و پس از آموزش در کمپ‌های شان در این ولایت به قطر می‌فرستند.



مرکز خبرنگاران افغانستان بستن وبسایت‌های رادیو آزادی و صدای امریکا را خلاف قانون خواند

۸صبح، کابل: مرکز خبرنگاران افغانستان اعلام کرده است که بستن وبسایت‌های رادیو آزادی و صدای امریکا از سوی طالبان، خلاف قانون رسانه‌های همه‌گانی است.

مرکز خبرنگاران افغانستان روز جمعه، ۲۱ دلو، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که طالبان وبسایت‌های این دو رسانه را بسته و یا دسترسی به آن‌ها را محدود ساخته‌اند.

این مرکز با ابراز نگرانی جدی نسبت به اعمال محدودیت‌های تازه، از طالبان خواسته است که حقوق رسانه‌ها و خبرنگاران را رعایت کنند.

بربنیاد اعلامیه مرکز خبرنگاران افغانستان، دسترسی به وبسایت‌های رادیو آزادی و صدای امریکا محدود شده و برای دسترسی به آن‌ها به نرم‌افزار و یا فیلترشکن نیاز است.

این مرکز اما با استناد به اطلاعات منابع از ولایات شرقی و غربی کشور گفته است که محدودیت‌های اعمال‌شده در همه شبکه‌های مخابراتی و خدمات اینترنتی یک‌سان نیست.

مرکز خبرنگاران افغانستان گفته است که جمی فلائی، رئیس رادیو آزادی، بلاک شدن وبسایت این رادیو را تایید کرده است.

گفتنی است که طالبان پس از تسلط بر کشور، محدودیت‌های بی‌شماری بر رسانه‌های داخلی و خارجی فعال در افغانستان اعمال کرده‌اند. این گروه پیش از این دامنه اینترنتی قبلی روزنامه ۸صبح را نیز مسدود کرده است.

طالبان بدون رفتن به مکتب و دانشگاه

سند می گیرند



امین کاوه

وزارت تحصیلات عالی طالبان، روز پنجشنبه، ۲۰ دلو، با نشر خبرنامه‌ای گفته که نخستین دور آزمون تثبیت سوبه تحصیلی عالمان دین را آغاز کرده است. عبدالباقی حقانی، رییس اداره ملی امتحانات طالبان، گفته است که افزون بر این، زمینه تحصیل عالمان دین در بیرون از کشور نیز فراهم خواهد شد. روند اخذ آزمون تثبیت سوبه تحصیلی عالمان دینی در حالی آغاز شده است که پیش از این طالبان در برخی از ولایت‌ها از توزیع فورم تثبیت سوبه عالمان دین خبر داده‌اند.



ارزیابی «عالمیت و شایسته‌گی» عالمان دینی است. این مقام طالبان در بامیان گفته است، اسناد عالمان دین که از مدرسه‌های داخل و خارج از کشور فارغ شده‌اند، ارزیابی می‌شود. والی طالبان برای بامیان همچنان تذکر داده که پس از بررسی برای عالمان دین مدرک تحصیلی به سوبه لیسانس اعطا می‌شود. همچنان حضرت برهانی، رییس دانشگاه بامیان، گفته است که هدف از ایجاد این پروسه تثبیت سوبه عالمان دین در این ولایت است و به کسانی که کامیاب شوند، اسناد رسمی لیسانس داده خواهد شد.

در همین حال عبدالغفور شهیدزی، رییس دفتر والی طالبان برای کندز، روز پنجشنبه، ۲۰ دلو، در صفحه توئیترش از روند اخذ امتحان عالمان دین در این ولایت خبر داده و گفته است که حدود یک هزار عالم دین در مدت شش روز در امتحان تثبیت سوبه اشتراک کرده‌اند. به گفته او، به کسانی که در این آزمون کامیاب شوند، سند تحصیلی داده می‌شود. شهیدزی نگاشته است: «آن عده که به درجه خامسه موفق می‌شوند، برای‌شان سند ۱۲، برای علمای درجه عالی سند ۱۴ پاس و برای عالمیه سند سوبه تحصیلی ۱۶ پاس اهدا می‌شود.»

با این حال «رادیو و تلویزیون ملی - تخار» روز پنجشنبه، ۲۰ دلو، نیز از روند اخذ امتحان عالمان دین در شهر تالقان خبر داده است. در گزارش این رادیو و تلویزیون به نقل از مولوی حزب‌الله مبشر، رییس معارف طالبان برای تخار، آمده است که این آزمون شامل سه سطح می‌شود. رییس معارف طالبان برای تخار گفته است که حدود ۸۰۰ تن در روند تثبیت سوبه عالمان دین اشتراک کرده‌اند و به کسانی که موفق شوند، «اسناد تحصیلی ۱۲، ۱۴ و ۱۶ پاس داده می‌شود». بر بنیاد خبرنامه وزارت تحصیلات عالی طالبان، روند تثبیت سوبه عالمان دین در سرتاسر کشور آغاز شده و قرار است در همه ولایت‌ها از علما و شاگردان مدرسه‌های دینی امتحان تثبیت سوبه گرفته شود.

روند تثبیت سوبه علمای دینی در حالی آغاز می‌شود که پیش از این مقام‌های وزارت تحصیلات عالی طالبان گفته بودند که قرار است ۷۰ هزار عالم دین در این روند اشتراک کنند. این وزارت به‌گونه رسمی اعلام نکرده است که چه تعداد از افراد طالبان در این روند اشتراک می‌کنند. این ارقامی است که مسوولان طالبان در ماه عقرب در بامیان اعلام کرده‌اند، اما پس از آن روشن نشده است که تغییری در آن به وجود آمده است یا خیر.

با این حال مهراں موحد، پژوهشگر امور دینی، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که طالبان نسبت به مکتب‌های عصری دینی دارند و تصورشان این است که مکتب از غرب آمده و عقلانیت‌آزایی غربی را در جامعه ترویج می‌کند و تفکر انتقادی را اشاعه می‌دهد. او معتقد است: «قرائت طالبان از اسلام بر تعبد و تسلیم و اطاعت بی‌چون‌وچرا از مافوق استوار است.» به گفته آقای موحد، تمرکز طالبان روی گسترش کمی و کیفی مدرسه‌های دینی در افغانستان است و تثبیت سوبه ملاها در راستای جای‌گزین کردن مدرسه‌های دینی به جای مکتب‌ها صورت خواهد گرفت.

از نظر این پژوهشگر امور دینی، تدریس برخی از

مضامین «خنثا»ی مکتب‌ها در مدرسه‌ها در راستای تطبیق این سیاست صورت می‌گیرد تا استدلال کنند که مدرسه‌ها می‌توانند کارکرد مکتب‌ها را داشته باشند و از همین رو نیاز به مکتب نخواهد بود. به گفته او، بستر رشد طالبان نیز مدرسه‌های دینی است و اعضای این گروه معتقدند که مدرسه‌ها نقش کلیدی را در راستای ترویج سیاست‌های طالبان ایفا می‌کنند و مردم را به پذیرش تفکر آن‌ها قناعت می‌دهند. از نظر آقای موحد تثبیت سوبه ملاها در راستای سیاست منفعت‌طلبانه صورت می‌گیرد و در معادله برتر نشان دادن ملاها، دو طرف سود می‌برند؛ چون «ملاها اکثریت دل‌شان با طالب است و از طالب حمایت می‌کنند. تلاش طالبان این است که ما [طالبان] از شما حمایت می‌کنیم و شما [ملاها] هم مجبور هستید که از ما حمایت کنید.» آقای موحد همچنان روند آموزشی مدرسه‌های دینی را ناقص می‌داند و می‌گوید که در بیشتر این مدارس بستر آموزش‌های مدرن مساعد نیست و روند فراگیری علوم دینی نیز مبتنی بر بازدهی نیست. او علاوه می‌کند: «حضور در درس کافی است که یک نفر چند سال بعد سند بگیرد. نه امتحان است، نه پرسش است. کیفیت درس‌ها بسیار پایین است. شاید عده‌ای بتوانند استفاده کنند و بر علوم دینی مسلط شوند، اما اکثریت کسانی هستند که روزگمی می‌کنند.»

پژوهشگر دینی می‌گوید:
«حرف اول و آخر طالبان این است که ملاها قشر برتر جامعه هستند. امتیازهای خاص به آن‌ها قابل می‌شوند و دیگران را مورد تبعیض قرار می‌دهند. [طالبان] تبعیض ساختارمند را رواج می‌دهند.»

این پژوهشگر دینی می‌گوید: «حرف اول و آخر طالبان این است که ملاها قشر برتر جامعه هستند. امتیازهای خاص به آن‌ها قابل می‌شوند و دیگران را مورد تبعیض قرار می‌دهند. [طالبان] تبعیض ساختارمند را رواج می‌دهند.»

واکنش شهروندان و استادان
 شکبیا (نام مستعار) یکی از شهروندان کشور است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح نسبت به این اقدام طالبان واکنش تند نشان می‌دهد و می‌گوید که این حاتم‌بخشی طالبان در دانشگاه‌ها پیامدهای زبان‌بار و جبران‌ناپذیر دارد. شکبیا می‌افزاید: «دانشجویان سال‌ها درس می‌خوانند، زحمت می‌کنند و متحمل انواع مشقت می‌گردند و چالش‌های بی‌شماری را در راه تحصیل متقبل می‌شوند. این ناعادلانه، غیرمنصفانه و حتا ظالمانه است که یک ملای مدرسه یک‌شنبه،

سند لیسانس بگیرد. ملاها باید در رشته خودشان تحصیل کنند و از طریق ملایی به امور مذهبی و دینی سرسامان بدهند، نه این‌که در همه امور آن‌ها مداخله کنند. ملاسازی کل نظام آموزشی و تحصیلی پیامدهای ناگواری برای کشور و نسل‌های آینده دارد. من نسبت به آینده دانشگاه‌ها در کشور نگرانم.»

یکی از دانشجویان که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «در دکان فوتوکاپی بودم، دو نفر با قیافه‌های ژولیده و ریش‌های دراز آمدند، اسنادشان را کاپی کردند و گفتند انشاءالله در ظرف شش ماه ماستری خود را نیز می‌گیریم.» او که این فخرفروشی دو تن از ملاهای طرفدار طالبان را در ذهن نگه داشته، تاکید می‌ورزد که توزیع سند به ملاهایی که یک «روز مکتب و دانشگاه» نرفته‌اند، بی‌باوری دانشجویان و مردم به دانشگاه را به یک فرهنگ مبدل می‌سازد.

نذیراحمد، دانش‌آموخته ادبیات، می‌گوید که مهم‌ترین کارکرد یک دانشگاه «تولید دانش، پژوهش و کارآفرینی است.» او معتقد است که با تسلط طالبان بر کشور، دانشگاه‌ها ماهیت کاربردی و فلسفه وجودی خود را از دست داده و به مراکز تبلیغ و ترویج تفکر بنیادگرایی و طالبانیسم مبدل شده‌اند. او ادعا می‌کند که بیشتر کادرهای متخصص و مسلکی به دلیل ناملایمات‌های روزگار و فضای خفقان‌آور و سرکوب‌کننده دانشگاه‌ها، ترک وظیفه کرده‌اند. او همچنان مدعی است که استادان در این اواخر به فرمایش مقام‌های طالبان در دانشگاه‌های کشور معرفی شده‌اند که با معیارهای دانش امروزی برابر نیستند.

الهام شریفی (نام مستعار) یکی از استادان دانشگاه کابل است. او که پس از یک‌ونیم سال سلطه طالبان هنوز به وظیفه خویش ادامه می‌دهد، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در حال حاضر فضای دانشگاه کابل تفاوتی با یک مدرسه دینی روستایی ندارد. به گفته او، استادان هیچ نوع آزادی بیان و اندیشه برای تشریح و توضیح مسایل دانش ندارند و نسبت به سخنان‌شان هراس دارند. این استاد دانشگاه همچنان طالبان را به رفتارهای قوم‌گرایانه و دگم مذهبی متهم می‌سازد و می‌گوید: «دست‌کاری این‌ها [طالبان] در نصاب درسی، برخورد‌های قومی و خشک مذهبی، نظام تحصیلی را به قهقرا می‌برد.» او می‌افزاید که طالبان در هر دانشگاه یک مبلغ دینی استخدام کرده‌اند. این مبلغ دینی که از وزارت امر به معروف و نهی از منکر آنان نماینده‌گی می‌کند: «خودش سر کل دانشگاه ریاست می‌کند و در هر چیزی مداخله دارد و فضا را برای تدریس تنگ ساخته است.»

این‌همه در حالی است که پیش از این وزارت معارف طالبان گفته بود که قرار است در هر ولایت «یک مدرسه بزرگ جهادی» و در هر ولسوالی از سه تا ده مدرسه دینی ساخته شود. کرامت‌الله آخوندزاده، معین تعلیمات اسلامی وزارت معارف طالبان، توضیح داده بود: «در بیش از ۲۵ ولایت مدرسه مرکزی جهادی که هر کدام ظرفیت جذب یک هزار نفر را دارد، تاسیس شده است. تاسیس سه تا ۱۰ مدرسه ابتدایی روستایی در هر ولسوالی تمام ولایات تحت کار است. پلان سالانه تعلیمات اسلامی در سطح ملی، ولایتی و ولسوالی ترتیب و به تمام ریاست‌های مرکزی ولایتی فرستاده شده است.»

پیش از این ندامحمد ندیم، وزیر تحصیلات عالی طالبان، در نشست در ولایت هرات گفته بود که ملاها و جنگجویان این گروه برای تثبیت سوبه علمی و ارزیابی مدارک تحصیلی نیاز به امتحان دولتی ندارند. او اخذ امتحان از جنگجویان این گروه را «توهین‌آمیز» خوانده و گفته بود که هر طالبی باید به اندازه مابین‌گذاری‌هایش شایسته امتیاز علمی شود. او همچنان رفتن دختران به آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها را «بی‌عزتی» خوانده و گفته بود که طالبان اگر تمدن می‌خواستند، اسامه بن‌لادن را به امریکا تسلیم می‌دادند. این مقام طالبان از نابودی سیستم تحصیلات عالی دولت پیشین خبر داده است. او روز پنجشنبه، ۱۷ قوس، در سفری به ولایت ننگرهار سیستم تحصیلات عالی دولت پیشین را غیرقانونی خوانده و گفته بود که آن سیستم را نابود کرده است.

دانشگاه‌ها در افغانستان چندین دهه است که در کوره‌های ایدیولوژی گروه‌های بر سر اقتدار می‌سوزند. اکنون با تسلط مجدد طالبان، کیفیت آموزشی و استقلال نسبی دانشگاه از بین رفته است.



گاهی یک حادثه کوچک می‌تواند چشم‌ها را به روی حقایق بزرگ باز کند. هجوم مردم به میدان هوایی کابل به تاریخ ۱۹ دلو ۱۴۰۱، بار دیگر این موضوع را آشکار کرد که مردم از زنده‌گی در سایه «امارت اسلامی» خسته شده‌اند و برای یافتن گریزگاه، به هر کاری دست می‌زنند.



◆ میرزیایی

ملامت می‌کنند، از خود نمی‌پرسند که چه عوامل جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی مردم را به این حال و روز کشانده که سر از پا نشناسند و به دنبال شایعه‌ها بدوند و آن را راست مطلق بپندارند.

داستان پیوند شمس و مولانا، یکی از داستان‌های پرحاشیه در زنده‌گی مولانا است. زمانی‌که شمس تبریزی برای بار دوم ناپدید شد و مولانا بی‌صبرانه چشم به راه برگشتش دوخته بود، خبرهای متناقضی درباره او در جامعه پخش می‌شد. عده‌ای می‌گفتند شمس مرده یا کشته شده است. شماری هم برای خوش‌حال کردن مولانا و هدیه قیمتی گرفتن از او، به دروغ از دیدار خود با شمس به مولانا خبر می‌دادند و او هم بی‌درنگ هدیه‌ای به آن‌ها تقدیم می‌کرد. اطرافیان مولانا به او می‌گفتند که این مژده‌دهندگان دروغ می‌گویند تا از تو هدیه دریافت کنند. مولانا می‌گفت: چون مژده ناراست بود این هدیه را دادم، اگر راست می‌بود سر در قدم مژده‌دهنده می‌گذاشتم. غرض از نقل این ماجرا این است که پخش و گسترش شایعات مربوط به فرار از افغانستان، بیش از این که نمایان‌کننده ساده‌لوحی و کودک‌مزاجی مردم باشد، بیانگر حالت بد روحی‌شان است. طالبان، افغانستان را به زندانی بزرگ برای ساکنان آن تبدیل کرده‌اند و مردم به دنبال راهی برای فرار از کشورند. در این میان، حتا شایعه و خبر دروغ هم می‌تواند آنان را به تلاش و تقلا بکشاند و به واکنش هستریک وادار کند.

در یک‌ونیم سال گذشته، مردم افغانستان به اندازه ده‌ها سال سختی و فشار روحی را متحمل شده‌اند. مردمی که در ۲۰ سال پس از توافق‌نامه بُن، اندکی طعم زنده‌گی انسانی را چشیده و از مزایای زنده‌گی در جهان معاصر بهره‌مند شده بودند، با برگشت دوباره طالبان،

شام روز چهارشنبه، ۱۹ دلو، ماجرای اتفاق افتاد که صحنه‌های غم‌انگیز و تکان‌دهنده میدان هوایی کابل در روزهای پس از سقوط کابل به دست طالبان را در اذهان تداعی کرد. شایعه‌ای دهان به دهان چرخید مبنی بر این که هواپیماهایی از ترکیه آمده‌اند تا عده‌ای از اهالی افغانستان را برای کمک به زلزله‌زده‌گان ترکیه به این کشور ببرند. پخش این شایعه باعث شد که هزاران تن از مناطق مختلف شهر کابل و ولایت‌های همجوار آن، خود را نزدیک میدان هوایی کابل برسانند و تلاش کنند به ترمنال میدان هوایی وارد شوند که طبعاً با برخورد خشن نیروهای نظامی طالبان مواجه شدند.

عده‌ای از تحلیل‌گران برج عاج‌نشین، طبق معمول به سرزنش مردم پرداختند و آنان را به علت این که به شایعات و خبرهای راستی‌آزمایی‌نشده باور می‌کنند، مورد انتقاد قرار دادند و ساده‌لوحی آنان را مسخره کردند. این عده از ناظران عادت دارند بیش از این که بگویند حوادث و وقایع را درک کنند، می‌خواهند از قابله عقب نمانند و برای هر رویدادی به سرعت تحلیلی قاطع و روشن ارایه دهند. اینان بدون آن که صلاحیت تیوریک لازم را برای تحلیل اوضاع به دست آورند، خود را جامع‌الکلمات می‌پندارند و در هر زمینه‌ای حرفی برای گفتن دارند.

با این حال، اگر این رویداد با توجه به اوضاع حاکم بر افغانستان مطالعه و بررسی شود، می‌توان از دل آن، به نتایجی دست یافت که تصویری از آن چه در افغانستان در جریان است، ترسیم کند. این که شماری از ناظران، مردم را از بابت زودباوری و متأثر شدن از شایعات

چرا مردم از افغانستان می‌گریزند؟

میدان هوایی کابل به قصد فرار هجوم برده بودند، به بی‌علاقگی به وطن و نداشتن رگ وطن‌دوستی متهم کرده بودند. واقعیت آن است که وطن و کشور از مسایل انتزاعی و ذهنی است. وطن به‌خاطر حضور آدم‌های گوشت‌وپوست‌دار وطن شده نه به علت دیگر. وقتی شخصی در زادگاه و وطنش مورد انواع ستم واقع شود و مرجعی هم وجود نداشته باشد که از او دادخواهی کند، به تدریج احساسش نسبت به وطن و زادگاه دچار دگرگونی می‌شود و حتا ممکن است نسبت به وطنش نفرت پیدا کند. وطنی که نتواند زنده‌گی آبرومند برای شخص فراهم آورد، هیچ دلیلی برای دوست داشتن و گرایش قلبی به آن وجود ندارد. طالبان با قسمت بزرگی از ساکنان افغانستان، به‌عنوان اسیران جنگی در قرون وسطا برخورد می‌کنند. در چنین حالتی، شما توقع دارید که مردم نسبت به وطنی که طالب تصرف کرده حس تعلق داشته باشد؟ فرار مردم از افغانستان، بیانگر بی‌علاقگی‌شان به وطن‌شان نیست، عیان‌کننده کمال نفرت‌شان از حاکمیت طالبان است.

گاهی یک حادثه کوچک می‌تواند چشم‌ها را به روی حقایق بزرگ باز کند. هجوم مردم به میدان هوایی کابل به تاریخ ۱۹ دلو ۱۴۰۱، بار دیگر این موضوع را آشکار کرد که مردم از زنده‌گی در سایه «امارت اسلامی» خسته شده‌اند و برای یافتن گریزگاه، به هر کاری دست می‌زنند. مردم از حکومت توقع دارند که برای‌شان رفاه و آسایش و مصونیت جانی و امنیت خاطر فراهم کند. کاری به این ندارند که این حکومت، نام اسلام را با خود یدک می‌کشد یا نام دیگری را. اگر رهبران طالبان ذهن وقاد و خرد نقاد داشته باشند، می‌توانند از همین قبیل حوادث برای تعدیل شیوه حکومت‌داری خود استفاده کنند. مردم به شعارهای حکومت‌ها توجه نمی‌کنند، بلکه به کارنامه آن‌ها اهمیت می‌دهند. حکومتی که قادر نباشد فضایی را مساعد کند تا نیازهای اولیه شهروندان تأمین شود، حکومتی ناکارآمد و نامشروع است. فرقی نمی‌کند از چه نام و عنوانی برخوردار است. مردم را در عصر حاضر نمی‌توان با وعده نسیه فریب داد و با شعار میان‌تهی متقاعد کرد.

فرار گروهی و جست‌وجوی «یک زنده‌گی معمولی»

آن حق داشته باشند، از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خویش در جامعه برخوردار باشند، شغل دل‌خواه خود را برگزینند، به رشته مورد علاقه‌شان تحصیل کنند، نوعیت لباس را خودشان تعیین کنند، صلاحیت دسترسی به سر و صورت خویش را داشته باشند. همه شهروندان فارغ از جنسیت، مذهب، قوم و گرایش‌های فکری مخالف تفکر طالبانی، زنده‌گی آبرومند داشته باشند و حریم خصوصی‌شان به رسمیت شناخته شود. مصونیت، کرامت و عزت انسان‌ها مورد تعرض قرار نگیرد، فقر و گرسنه‌گی زنده‌گی آن‌ها را تهدید نکند و بتوانند حداقل از مایحتاج زنده‌گی خویش را تأمین کنند. وقتی این معمولی‌ترین‌های یک زنده‌گی از مردم گرفته می‌شود، رژیم حاکم به حق انتخاب شیوه زنده‌گی، گزینش شغل، حق سفر و امید داشتن به یک آینده بهتر نه‌تنها حرمت نمی‌گذارد، بلکه دهن آنان را می‌بوید و به جرم اندیشیدن و سخن گفتن، سرها را به دار می‌آویزد و جسدها را مثله می‌کند. داشتن «یک زنده‌گی معمولی» می‌تواند به تعداد آدم‌ها و آرزوهای‌شان در یک سرزمین معنا و مفهوم داشته باشد و توماری از نداشتن‌های حداقلی زنده‌گی بر آن افزون گردد. اما این مفهوم در ترانه حزن‌انگیز و آزادی‌خواهانه شروین حاجی‌پور، آوازخوان ایرانی که در جنبش «زن، زنده‌گی و آزادی» به سرود اعتراضی فارسی‌زبانان جهان افزوده شد، به انقلاب رهایی‌بخش مبدل شده است. شروین حاجی‌پور از قطعه «برای»، آیینی بی‌زنگار از زنده‌گی نسل‌هایی را ساخت که قدم‌به‌قدم، واژه‌به‌واژه و احساس‌به‌احساس برای «حسرت یک زنده‌گی معمولی» آن را زیسته و گریسته‌اند.

نیز محروم می‌سازد. تجربه یک سال و چند ماه زیستن زیر سیطره رژیم تمامیت‌خواه طالبان به خوبی بازتاب‌دهنده این امر است که نه‌تنها تمام عرصه‌های زنده‌گی جمعی را تحت نفوذ و حاکمیت خویش درآورده، بلکه جایی برای حریم خصوصی باقی نگذاشته‌اند و تمام شئون اجتماعی و فردی را در قبضه گرفته‌اند و مردم را از ابتدایی‌ترین حق زنده‌گی که آموزش و کار است، محروم کرده‌اند. آن‌ها با ایجاد دیوار ضخیم خودی و غیرخودی، فضا را برای نفس کشیدن تنگ کرده‌اند. به قول هانا آرنت، فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی، در رژیم‌های توتالیتر «دشمن‌تراشی و ایجاد وحشت، ابزار اصلی حاکمیت است.» آرنت در تفاوت‌های حکومت‌های مستبد و تمامیت‌خواه، استدلال می‌کند که استبداد صورت سیاسی شبیه برهوت است و شرایط زنده‌گی را برای زیستن دشوار می‌کند؛ اما تمامیت‌خواهی را به «توفان شن» تشبیه می‌کند که زنده‌گی را «مدفون و جهان را خفه و محو» می‌کند. با نگاهی به تعریف آرنت از تمامیت‌خواهی و اتفاق‌های ناگوار و دلخراشی که هم‌روزه در افغانستان به وقوع می‌پیوندد، می‌توان رژیم طالبان را در توصیف او از «توفان شن» به بحث گرفت و فهمید؛ چون به قول او، خشونت‌های تمامیت‌خواهی با رجوع به خصلت‌های ایدئولوژیک آن‌ها فهمیدنی است.

در حال حاضر این رژیم توتالیتر، با دخالت در کلیه امور زنده‌گی، داشتن «یک زنده‌گی معمولی» را به حسرت مبدل کرده است. زنده‌گی‌ای که همه در



نیما

با سلطه مجدد طالبان بر افغانستان، میدان هوایی کابل برای دومین بار در کمتر از دو سال شاهد فرار گروهی برای جست‌وجوی یک‌زنده‌گی معمولی بوده است. این فرار گروهی شهروندان نسبت به هر زمان دیگری غم‌انگیزتر و در عین حال قابل ژرف‌نگری است؛ زیرا مردمی عزم را برای رفتن در دمای زیر صفر جزم کرده‌اند تا از زیر سلطه یک نظام ایدئولوژیک و ستمگر به سوی یک فاجعه عمیق بشری و تاریخی بروند که هزاران انسان را به کام خویش فرو برده است. صدها انسان که با یک شایعه پا به فرار می‌گذارند و به جایی می‌روند که به کابوس بشریت مبدل شده و هنوز هم خطر بلعیدن زمین برای فرزندانش رفع نشده، قابل تأمل و اندیشیدن است. مردمی که از فقر و گرسنه‌گی، از ستم و استبداد طالبانی، از بی‌عدالتی و فقدان آزادی به جان آمده‌اند و ابتدایی‌ترین حق انتخاب برای یک زنده‌گی عادی از آن‌ها گرفته شده است، حق دارند از هر راه ممکن برای رهایی از شر طالبانیسم پا به فرار بگذارند و به هر شایعه و دروغی باور کنند. رفتن از زیر بار یک فاجعه به فاجعه دیگر، بیانگر این امر است که دیگر امیدی برای زیستن در این سرزمین باقی نمانده و رژیم توتالیتر و ایدئولوژیک طالبان که منشا انواع تبعیض و جزماندیشی دینی و قومی است، باعث شده که تجربه تلخ‌تر از زنده‌گی در آواره‌گی و آن هم در زیر آوار زلزله، نسبت به زنده‌گی در قلمرو طالبانیسم ترجیح داده شود.

محدودیت‌های غربت؛

ورزشکاران افغان که نتوانست به مسابقه‌های بین‌المللی راه یابد

فاطمه تاجیک ۱۷ سال
سن دارد و باشنده اصلی
ولسوالی جبل‌السراج ولایت
پروان است، اما در ایران
زاده شده است. خانواده او،
حدود ۲۲ سال پیش در دور
نخست حاکمیت طالبان بر
شهر کابل، به ایران آورده
شده است. تاجیک در سن
۱۱ سالگی به دلیل علاقه
شدیدی که به ورزش داشت،
شامل رشته ورزشی «دفاع
شخصی» در تهران شد.



۸ صبح، پروان

عدم دسترسی به مکتب، سخت‌گیری در هنگام تمدید ویزه، محدودیت در خرید سیم‌کارت، استفاده از اینترنت و افتتاح حساب‌های بانکی در این کشور شکایت کرده‌اند.

تأثیرات منفی محرومیت از آموزش در ایران

فاطمه در حال حاضر دانش‌آموز صنف یازدهم رشته «معماری» در یکی از مکاتب تهران است. او نزدیک به دو سال پیش، تنها چند ماه پیش از حاکمیت دوباره طالبان بر افغانستان، وارد رشته «معماری» مکتب شده است. او می‌گوید: «وقتی که این رشته را انتخاب کردم، می‌خواستم یک مهندس خیلی حرفه‌ای شوم تا بتوانم بروم کشورم و در ساخت‌وساز آن سهم بگیرم؛ اما شرایط سختی آمد و طالبان حاکم شدند، دروازه مکاتب و دانشگاه‌ها را به روی دختران بستند و زنان را اجازه کار نمی‌دهند. از همین رو، انگیزه‌ای که در گذشته داشتم، حالا ندارم و هر لحظه نگران آینده خود و هم‌نسلانم هستم. حتا بسیاری شب‌ها و روزها که وضعیت کشور ما به یادم می‌آید، گریه می‌کنم.»

این دانش‌آموز نوجوان خواستار بازگشایی دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌های کشور به روی جوانانی است که زحمت کشیده و قصد دارند در آبادانی کشور سهیم باشند. فاطمه علاوه می‌کند: «از طالبان می‌خواهم که دانشگاه‌ها و مکاتب را باز کنند. دختران قهرمان زیادی هستند که می‌خواهند درس بخوانند و به کشور ما خدمت کنند. طالبان فکر کنند که همسر، خواهر و مادرشان بیمار شد، آیا لازم است که یک پزشک مرد معالجه‌اش کند؟»

این دانش‌آموزان خطاب به جامعه جهانی می‌گوید: «از همه دنیا می‌خواهم که به افغانستان نگاهی بیندازند و ببینند که مردم آن چه وضعیتی را سپری می‌کنند. همه در سختی زنده‌گی می‌کنند. قحطی و سرمای زمستان است، شرایطی حاکم است که نمی‌گذارند حتا درس بخوانیم.»

گفتنی است که طالبان با تسلط دوباره بر کشور در اسد ۱۴۰۰، مکاتب متوسطه و لیسه را به روی دختران بسته‌اند. مقام‌های این گروه در ۱۷ ماه حاکمیت بر کشور دلایل مختلفی برای وضع این محدودیت ارائه کرده‌اند و همواره می‌گویند که به‌زودی در این باره تصمیم خواهند گرفت. طالبان در این مدت زیر فشار افکار عامه و جامعه جهانی به هر بهانه‌ای توسل جسته‌اند؛ از تغییر لباس دانش‌آموزان دختر تا تغییر نصاب آموزشی در مطابقت با «قوانین شرعی و سنتی افغانستان» و همچنان علت‌های فرهنگی. این دلایل و علت‌ها اما نتوانسته قناعت شهروندان، نماینده‌گان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را فراهم کند. با این‌همه، شکایت‌ها و خواست‌های فاطمه تاجیک، خواست بیشتر شهروندانی است که در دیار غربت زنده‌گی می‌کنند و با عالمی از مشکلات و محرومیت دست‌به‌گریبان هستند. بیشتر شهروندانی که سال‌های زیادی را در کشورهای دیگر سپری کرده‌اند، افغانستان را خانه خود می‌دانند و در صورت تأمین امنیت، حاضرند برگردند، اما مشکلات اقتصادی، نبود کار، نبود امنیت جانی و فکری و همچنان نبود ثبات سیاسی سبب می‌شود که مشکلات غربت را تحمل کنند و تنها برای آبادانی کشور به روزشماری بپردازند.

گواهی‌نامه‌های فنی - مسلکی، کمربندهای رنگارنگ و اسباب ورزشی را با گلولی پُر از بغض برایم نشان می‌دهد؛ مدارکی که تا سن ۱۵ سالگی با متقبل شدن هزارویک مشکل به دست آورده است. دختر نوجوانی است که بیش از پنج سال در رشته «دفاع شخصی» در ایران زحمت کشیده تا به سمت مربی‌گری در این رشته ورزشی دست یابد، اما امیدهایش به دلیل محدودیت‌های مهاجرت با خاک یک‌سان شده و ناگزیر است ورزش را ترک کند.

فاطمه تاجیک ۱۷ سال سن دارد و باشنده اصلی ولسوالی جبل‌السراج ولایت پروان است، اما در ایران زاده شده است. خانواده او، حدود ۲۲ سال پیش در دور نخست حاکمیت طالبان بر شهر کابل، به ایران آورده شده است. تاجیک در سن ۱۱ سالگی به دلیل علاقه شدیدی که به ورزش داشت، شامل رشته ورزشی «دفاع شخصی» در تهران شد.

این دختر نوجوان حدود پنج سال در این رشته آموزش دیده و در این مدت دستاوردهای زیادی داشته است. او در این مدت دو مدال نقره و برنز در مسابقات داخلی کشور ایران به دست آورده است. این دختر نوجوان به گفته خودش به‌تازگی بال کشیده بود، اما محدودیت‌های دیار غربت بال‌هایش را شکست و او را نگذاشت به آرزوهایش برسد.

فاطمه تاجیک در صحبت با روزنامه ۸ صبح روایتی از آرزوهای به ثمر نرسیده‌اش بازگو می‌کند و می‌افزاید: «من از یازده‌سالگی به ورزش رو آوردم و آرزو داشتم که یک روز قهرمان ورزشی شوم. مدت پنج سال در این رشته کار کردم و به ترتیب کمربندهایم عوض شد و به سطح مشکی (آسیاه) رسید و قرار بود در روزهای نزدیک مربی‌گری رشته ورزشی دفاع شخصی را به دست بیاورم، اما به آرزوهایم نرسیدم.»

این ورزشکار نوجوان علاوه «مسابقات میان استان‌ها در تهران برگزار شد و من در آن مسابقات به قهرمانی رسیدم. قرار بود که پس از آن شامل مسابقات بین‌المللی شوم، اما به خاطر این‌که اتباع [شهروند] خارجی بودم، اجازه اشتراک در آن مسابقات برایم داده نشد؛ چون من تابعیت ایران را نداشتم و فقط یک اقامه عادی دارم. پس از آن، دل‌سرد شدم و ورزش را ترک کردم. مشکلات اقتصادی هم دلیل دیگری برای ترک ورزش بود.»

فاطمه می‌گوید در صورتی که حمایت شود، می‌تواند در این رشته ورزشی دستاوردهای بیشتری به نام افغانستان کسب کند. هزاران دختر و پسر دیگر شبیه فاطمه تاجیک به علت مشکلات داخلی وادار به ترک افغانستان شده و در کشورهای دیگر از جمله ایران و پاکستان زنده‌گی می‌کنند و از بیشتر امتیازها محروم‌اند. دولت ایران اما فضا را برای شهروندان خارجی نسبت به کشورهای دیگر تنگ‌تر ساخته است. پیش از این نیز مهاجران افغانستانی در ایران از ردمرهای اجباری،



نشست شورای امنیت سازمان ملل؛

نمایندگان کشورهای کارکردهای طالبان انتقاد کردند

۸ صبح، کابل

طول بیست سالی که امریکا و متحدان ناتو در افغانستان سپری کردند، تهدید هراس‌افگنی تنها افزایش یافته است. با این حال، نتایج این کارزار ننگین، جنایات جنگی مرتکب‌شده از سوی ارتش امریکا و ناتو است که در این باره با دقت تمام خاموش هستند.»

در همین حال، نماینده‌گان امارات متحده عربی و چین نیز در این نشست از بازگشت داعش در منطقه ابراز نگرانی کرده‌اند. آنان گفته‌اند که توانایی سازمان‌های هراس‌افگن جهانی در حال افزایش است.

ژانگ جون، نماینده دائمی چین در سازمان ملل گفته است: «از آغاز سال ۲۰۲۳ دو حمله هراس‌افگن وحشیانه در کابل، پایتخت افغانستان، رخ داده است. همه این حمله‌ها هزینه و تلفاتی داشته و زنگ خطر دیگری را برای ما به صدا درآورده است.»

لانا ذکی نسبیبه، نماینده امارات متحده عربی در سازمان ملل متحد، در این نشست گفته است: «در ماه جنوری تنها ۱۰ حمله در افغانستان، جمهوری دموکراتیک کنگو و سوریه از سوی داعش انجام شده که در نهایت ۵۰ کشته و تعدادی هم زخمی برجا گذاشته است.»

با این حال، دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارشی به شورای امنیت این سازمان گفته است که داعش قصد دارد با حمله بر سفارت‌های هند، روسیه و چین در افغانستان، روابط طالبان را با «متحدان دیپلماتیکش» تضعیف کند. این سازمان گفته است که شاخه خراسان داعش همچنان دشمن اصلی طالبان باقی مانده و توانایی راه‌اندازی حمله‌ها را در بخش‌های مختلف افغانستان دارد.

در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد آمده است که فعالیت‌های شاخه خراسان داعش همچنان یک تهدید مهم هراس‌افگانه در آسیای مرکزی و آسیای جنوبی باقی مانده و این گروه در تلاش انجام حمله‌ها در درون و بیرون از افغانستان است.

طالبان اما در واکنش به تأکید نمایندگان کشورهای جهان در عرصه مبارزه با هراس‌افگنی می‌گویند که هرگز اجازه نخواهند داد تا از خاک افغانستان بر ضد کشورهای دیگر کار گرفته شود. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، با فرستادن نوار تصویری به رسانه‌ها گفته است: «در افغانستان امنیت تأمین است و هیچ گروهی که خودسر باشد و یا بیرون از افغانستان باشد، در این‌جا فعالیت ندارد و اجازه فعالیت را هم ندارد.» ذبیح‌الله مجاهد افزوده است که طالبان به کسی اجازه نمی‌دهند تا خاک افغانستان را علیه کس دیگری استفاده کند یا تهدیدی برای کشورهای دیگر ایجاد کند.

بربنیاد گزارش سازمان ملل متحد، داعش اکنون در ولایت‌های ننگرهار، کنر، نورستان، کابل و اطراف آن حضور فعال دارد. گفتنی است که از زمان حاکمیت طالبان به این سو، حملات داعش بر برخی از نهادهای دیپلماتیک در افغانستان افزایش یافته است.

بربنیاد گزارش‌های نشرشده، گروه داعش از زمان تسلط طالبان تاکنون بر سفارت‌خانه‌های کشورهای روسیه و پاکستان و مهمان‌خانه‌ای که شهروندان چینی در آن حضور داشته در کابل حمله کرده و در پی این حملات به شمول دیپلمات‌های این سفارت‌خانه‌ها چندین شهروند کشور نیز کشته و زخمی شده‌اند. همزمان با افزایش تهدید داعش در افغانستان چندین کشور به شمول عربستان سعودی، امارات متحده عربی و دیگر کشورها فعالیت سفارت‌خانه‌های خود در کابل را توقف داده و دیپلماتان‌شان را از افغانستان فرا خوانده‌اند.

نشست شورای امنیت سازمان ملل با حضور نمایندگان برخی از کشورهای جهان در مقر این سازمان برگزار شد. در این نشست ویژه مسایل امنیتی و فعالیت‌های هراس‌افگنی در جهان، نماینده‌گان برخی از کشورها به شمول ایالات متحده امریکا، ضمن انتقاد از کارکردهای طالبان در بخش مبارزه با تروریسم و وضع محدودیت از سوی این گروه علیه زنان افغانستان، بر ادامه فشارها بالای این گروه تأکید کردند. معاون نماینده‌گی امریکا در سازمان ملل در این نشست از طالبان خواست تا به تعهدات‌شان برای پیکار با هراس‌افگنی پای‌بند باشند. نماینده روسیه اما در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد که در آن وضعیت داعش در افغانستان و منطقه به بحث و بررسی گرفته شده بود، امریکا و ناتو را عاملان اوضاع کنونی در افغانستان خواند.

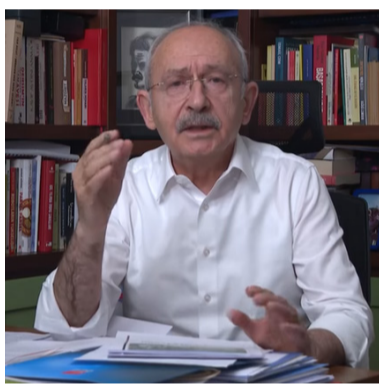
ریچارد ملز، معاون نماینده‌گی ایالات متحده امریکا در سازمان ملل متحد، روز پنج‌شنبه، ۱۹ دلو، در سخنرانی‌اش در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد از محدودیت‌های طالبان علیه زنان نگرانی «عمیق» کرده و گفته است که اقدامات زن‌ستیزانه این گروه زنده‌گی میلیون‌ها شهروند افغانستان را به «مخاطره» انداخته است. او افزوده است: «ما همچنان از محدودیت‌های طالبان بالای زنان و دختران افغانستان عمیقاً نگرانیم. طالبان زنان را از رفتن به مکاتب و دانشگاه‌ها محروم کرده و آنان را از کار در موسسه‌های غیردولتی ممنوع کرده‌اند. این عمل طالبان زنده‌گی میلیون‌ها افغان را به مخاطره انداخته است؛ زیرا مردم افغانستان یکی از سردترین زمستان‌ها را سپری می‌کنند. آنان به کمک‌ها و مواد غذایی کافی نیاز دارند. ایالات متحده امریکا در کنار مردم افغانستان قرار دارد و محدودیت‌های طالبان را مردود می‌داند. ما آماده‌ایم یک‌جا با جامعه جهانی به نیازمندی‌های مردم افغانستان پاسخ لازم را بدهیم و به تعهدات ما در قبال زنان و دختران افغان پایدار بمانیم.»



ریچارد میلز همچنان تأکید کرده که شاخه خراسان داعش به‌عنوان یک تهدید جدی در مرکز و جنوب آسیا باقی مانده است. او از طالبان می‌خواهد تا به تعهدات ضد هراس‌افگنی بپیوندند. آقای میلز اضافه کرده است: «ما به فشارها بالای طالبان ادامه می‌دهیم تا به تعهدات‌شان در مورد مبارزه با تروریسم متعهد بمانند. این گروه جاه‌طلبانه در تلاش است تا توانایی حمله‌های خارجی را پیدا کند و این برای جامعه جهانی بسیار مهم است تا مانع ایجاد پناه‌گاه امن برای داعش، القاعده و وابسته‌گان‌شان شود.»

نماینده روسیه در این نشست اما امریکا و ناتو را عاملان اوضاع کنونی در افغانستان عنوان کرده است. گنادی کوزمن، معاون نماینده‌گی روسیه در سازمان ملل متحد، گفته است: «در

زلزله‌ای که سیاست و اجتماع ترکیه را لرزاند است



عکس: کمال کلچدار اوغلو، رهبر حزب جمهوری خواه خلق.

**خانم مرال آکشنر،
رئیس حزب «خوب» از
جمله مخالفان جدی حزب
حاکم است و در ائتلاف
با حزب جمهوری خواه
خلق تلاش دارد اردوغان
را در انتخابات پیش
رو به چالش بکشد و
از دو روز به این سو،
ضمن دیدار از مناطق
زلزله زده و تلاش برای
کمک رسانی، از عملکرد
دولت و سیاست های
اردوغان با زبان تند
انتقاد می کند.**

عکس: مرال آکشنر، رئیس حزب خوب.

سیاست، گفته بود که او برای آخرین بار خود را در انتخابات ریاست جمهوری کاندید خواهد کرد. به نظر می رسد که رقیبان او امسال جدی تر از گذشته اند و می گویند که انتقال قدرت از اردوغان و حزبش باید به یک دور دیگر به تعویق نیفتد. قرار است سه ماه بعد (۱۴ می) انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود. از این رو، کمپاین ملی رسیده گی به قربانیان زلزله ای که به تاریخ ششم فروردی، بخش بزرگی از ترکیه را ویران کرد، اکنون به میدان داغ سیاست بدل شده است.

فاجعه ای که در آغاز دست کم گرفته شد

به تاریخ ششم فروردی در فاصله ۹ ساعت دو زلزله شدید (۷٫۵ و ۷٫۸ درجه رشت) جنوب شرق ترکیه و بخش هایی از سوریه را لرزاند. گفته می شود که مناطق آسیب دیده زلزله خیز است، اما در ۱۰۰ سال گذشته شاهد چنین زلزله شدیدی نبوده است. از این رو، خاطرات آخرین زلزله ویران گر در آن محلات چنان کم رنگ شده است که ساعت ها طول کشید تا دولت و جامعه ترکیه باور کنند با فاجعه بزرگی روبه رو شده اند. خانم مرال آکشنر، رئیس حزب «خوب» از جمله مخالفان جدی حزب حاکم است و در ائتلاف با حزب جمهوری خواه خلق تلاش دارد اردوغان را در انتخابات پیش رو به چالش بکشد و از دو روز به این سو، ضمن دیدار از مناطق زلزله زده و تلاش برای کمک رسانی، از عملکرد دولت و سیاست های اردوغان با زبان تند انتقاد می کند؛ اما خود خانم آکشنر نیز ساعات و حتا روز اول را در واکنش های رسمی و انتظار گذرانده بود و در روز دوم و سوم به تدریج متوجه فاجعه شده حزب و هوادارانش را برای ارسال کمک و مشارکت در کار نجات بسیج کرد. خانم آکشنر در صفحه فیسبوکش اسناد کافی از سیر واکنش هایش به جا گذاشته و خوب است تحول واکنش او را، چون نمونه سیاستمداران و رهبران ترکیه، در برابر این فاجعه ملی مرور کنیم: آکشنر یکی از مخالفان مطرح حزب حاکم عدالت و توسعه است. حزب خوب، ملی گرا و پیرو افکار کمال اتاترک و علاقه مند نزدیکی بیشتر ترکیه به اروپا است. گفته می شود که حزب او بیش از ۶۰۰ هزار عضو دارد. ۳۷ نماینده در پارلمان و بیش از هزار نماینده در شوراهای شهرداری ها دارد. شهرداری های ۲۴ ناحیه/ ولسوالی در سراسر کشور در اختیار این حزب است.

و چیزی از ابعاد وسیع قربانیان عادی نگفته است. تا آن وقت ظاهراً سخن از ارقام بلند تلفات نبود و خانم آکشنر خبرهای دست چین از مرگ دوستان و افراد مهم را نشر می کرد.

او و حزبش ظاهراً روز سوم حادثه به طور جدی وارد میدان شدند و تا آن زمان بیشتر چشم به راه اقدامات دولت بوده و به ارسال کمک و اظهار تسلیت اکتفا کردند. او در عین حال، زبان به انتقاد از اعمال محدودیت بر رسانه های اجتماعی گشوده است. خانم آکشنر نوشته است: «در شرایطی که برای اطلاع رسانی از نیازهای قربانیان به ارتباطات نیاز جدی است، چگونه شما محدودیت وضع می کنید؟ این چه کار زشت است؟ این چه بی وجدانی است؟ از چه کسی و چرا می ترسید؟ شرم تان باد!»

یخن کشک سیاستمداران بر آوار مناطق زلزله زده در روز سوم فاجعه، بر خبرهای داغ درگیری های سیاسی بر اقدامات کمک رسانی سایه انداخته بود. دولت و مخالفان آشکارا دست به یخن شده بودند. شاید به دلیل همین تلخی و تأثیرات احتمالی رقابت های سیاسی بر روحیه مردم، دولت تصمیم گرفته بود که توپیترا را قطع کند.

کمال اوغلو بزرگ ترین حزب مخالف است. حزب او نیز کمالیست و طرفدار نزدیکی ترکیه با اروپا است. یک میلیون و ۳۶۹ هزار عضو دارد و از میان ۶۰۰ عضو پارلمان ترکیه، ۱۳۵ تن شان اعضای این حزب اند. شهرداری های ۱۱ شهر بزرگ به شمول استانبول، ۲۴۱ شهرداری شهرهای کوچک و ولسوالی ها در اختیار این حزب است. در شوراهای شهر ترکیه چهار هزار و ۶۳۸ نماینده دارد.

در آن روز کمال کلچدار اوغلو، رئیس حزب جمهوری خواه خلق، بزرگ ترین حزب مخالف و مدعی اصلی رقابت در برابر اردوغان، در انتخابات پیش رو، با نشر ویدیویی گفت که از ادانا، حتای، اسکندرون، انتاکیا و چند منطقه دیگر زلزله زده دیدن کرده و از رهبری دولت در کار کمک رسانی شدیداً ناراضی است. او از گسترده گی تخریبات زلزله و آسیب های آن سخن گفت و به مردم اطمینان داد که هر چه از او و حزبش بر بیاید، انجام خواهند داد. او وعده سپرد که برای احیای قریه ها و شهرهای تخریب شده، تمام امکانات را به کار خواهند برد. حزب او تعدادی از بزرگ ترین شهرداری ها را در اختیار دارد و در آن سفر برخی از شهردارها، از جمله شهردار استانبول او را همراهی می کردند. آقای کلچدار اوغلو دولت را متهم کرد که مانع تلاش و مشارکت احزاب در کار کمک رسانی می شود و وعده سپرد که دروغ ها و مشکل تراشی های قصر ریاست جمهوری مانع کارشان خواهد شد. او نهادهای دولتی را متهم کرد که اکثر منابع کمک رسانی را به درستی توزیع و هماهنگ نکرده است. به گفته او، میان نهادهای دولتی، شهرداری ها، نهادهای سیاسی و شبکه های مردمی هماهنگی وجود ندارد و خیلی از نهادهای اجتماعی فرصت نیافته اند که به محل کمک رسانی بروند. او همچنان ادعا کرده که عساکر نیز به محل حادثه به حد کافی اعزام نشده اند. او گفته که روز قبل در حتای، تنها سه هزار و ۵۰۰ عسکر حضور داشته، نیروهای جست و جو و نجات بسیار دیر به محل رسیده و «درواقع در هر بخش ناکامی هایی داشته ایم.» او تیغ انتقادش را مستقیم به سمت حریف سیاسی اش نشانه گرفته گفت: «در این دوره هر مشکلی اگر وجود داشته، منبع اصلی آن اردوغان بوده است. او ۲۰ سال این کشور را در کار آماده گی برای مبارزه با زلزله به عقب نگه داشته است. به همین دلیل هیچ قصد دیدار با خود او اردوغان را ندارم.»

زلزله‌ای که...



با سیاست‌های تغییرات بنیادی در نظام، سیستم دولتی و نیز جامعه ترکیه به وجود آورده است. حزب عدالت و توسعه ۲۸۶ نماینده در پارلمان دارد، شهرداری‌های ۱۵ شهر بزرگ و ۷۴۲ شهر کوچک و ولسوالی‌ها در اختیار این حزب است و گفته می‌شود که تعداد اعضایش بیش از ۱۱ میلیون است.

اما دولت این اتهامات را رد می‌کند و ادعا دارد که هم سابق نیک در مبارزه با حوادث طبیعی داشته و هم اکنون با آمادگی کامل برای نجات شهروندان تلاش می‌کند. البته اردوغان در سخنرانی روز چهارشنبه تأیید کرد که کمبودهایی وجود داشته، اما افزود که هماهنگی‌ها صورت گرفته و به‌زودی اوضاع تحت کنترل خواهد آمد. اردوغان روز پنج‌شنبه، ۹ فبروری، برای نمایش کنترلش بر اوضاع، ارقام دقیق خانه‌های ویران شده، تعداد افراد آسیب‌دیده، زخمی‌ها و کشته‌شده‌گان را اعلام کرد و با جزئیات از حدود فاجعه و تلاش‌های انجام‌شده صحبت کرد و وعده داد که به سرعت زلزله‌زده‌گان را نجات خواهد داد و هیچ‌کسی در میدان رها نخواهد شد. او گفت که تمام ۱۰ ولایت تخریب‌شده را در مدت یک سال دوباره آباد خواهد کرد. رسانه‌های دولتی و نزدیک به دولت می‌کوشند تا به پیروی از رییس دولت، تصاویر مثبت نشان دهند، کارهای انجام‌شده را گزارش دهند و تصاویر افرادی را که از زیر آوار بیرون کشیده می‌شوند، نشر کنند.

همبستگی مردمی



عکس: کمک‌های جمع‌آوری شده از سوی پیشه‌وران و اصناف در شهر استانبول برای انتقال به محلات زلزله‌زده آماده می‌شود.

مردم ترکیه در چند روز گذشته همبستگی کم‌نظیر نشان داده‌اند. از سراسر کشور افراد داوطلب بسیار به مراکز دولتی و میدان‌های هوایی رفته و برای کمک اعلام آمادگی کرده‌اند. پیشه‌وران، صنعت‌کاران، اصناف، خانواده‌ها، مراکز آموزشی و شرکت‌ها همه با اهدای پول، تهیه مواد خوراکی و البسه در سراسر کشور به بسیج عمومی برای نجات میلیون‌ها هم‌وطن‌شان سهم گرفته‌اند. مردم با نصب بیرق کشور بر فراز مغازه‌ها و خانه‌ها همدردی‌شان را نشان داده‌اند و هر روز محموله‌های بسیار از سراسر کشور به سوی مناطق زلزله‌زده ارسال می‌شود. اعتمادبه‌نفس و انگیزه مردم در رسیده‌گی به آسیب‌دیده‌گان بالا است، اما به نظر می‌رسد که وسعت و شدت ویرانی بسیار فراتر از آن است که با حمایت مردمی بتوان پاسخ داد. نجات جان انسان‌های باقی‌مانده در زیر آوار و رسیده‌گی به میلیون‌ها بی‌خانمان، نیازمند کار حرفه‌ای، مدیریت فوق‌العاده و تخصص است. در برخی مناطق، مسدود بودن راه‌ها مانع جدی رسیده‌گی به زلزله‌زده‌گان شده، هوای نامناسب بر معضله‌ها افزوده و گذشت سریع زمان، شانس موفقیت در نجات خیلی از آدم‌هایی را که گفته می‌شود هنوز زیر آوار مانده‌اند، کاهش داده است. کارشناسان می‌گویند که برای نجات آدم‌های گیرمانده در زیر آوار، ۷۲ ساعت اول حیاتی است. تا اواخر روز پنج‌شنبه که این گزارش نوشته می‌شد، خبرهایی از

اردوغان به این انتقادات با زبان تند پاسخ داد و گفت که همین لحظه ۲۱ هزار و ۲۰۰ عسکر، پولیس و ژاندارم در ولایت حتای مشغول مبارزه با حوادث‌اند. او گفت: «برخی افراد بی‌حیثیت و بی‌ناموس تبلیغات راه انداخته‌اند که در حتای عسکر ندیده‌ایم، ژاندارم ندیده‌ایم، پولیس ندیده‌ایم.»

کلیچدار اوغلو روز بعد در پست فیسبوکی نوشت که دولت رسانه‌های اجتماعی را به‌روی مردم بسته است و او به همکاری‌اش گفته تا برای هماهنگی از وی‌پی‌ان استفاده کنند. او نوشت: «این اداره دیوانه، رسانه‌های اجتماعی را قطع کرده است. در نتیجه فریاد کمک‌خواهی کمتر خواهیم شنید. ما از تمام چیزهایی که پنهان می‌کنی، خبر داریم!»

پنجشنبه‌شب، که روز چهارم حادثه به پایان می‌رسید، کلیچدار اوغلو، مدعی ادامه راه اتاترک و کاندید احتمالی اپوزیسیون برای انتخابات امسال، در پشت میز نشست بود و یک گزارش رسمی از زلزله کوچک چند سال قبل را به مردم نشان می‌داد که در آن صحبت از عدم آمادگی نهادهای دولتی در رسیده‌گی به زلزله‌زده‌گان شده است. او آن گزارش را سند اعتراف دولت به عدم آمادگی خواند و افزود، زلزله‌ای که چند روز قبل اتفاق افتاده خیلی بزرگ بوده است، اما «بی‌برنامه‌گی، عدم هماهنگی، بی‌پلانی و ریاکاری بسیار بزرگ‌تر از زلزله است.» او گفته است، تلفاتی که مردم متحمل شده‌اند، همه نتیجه زلزله نیست، بلکه نتیجه اقدامات غیر موثر و کمبود امکانات است. او در پایان پیامش با هشدار می‌گوید: «اردوغان با تو تا آخر مبارزه خواهیم کرد. سرنوشت ما همین بوده که با تو مبارزه کنیم.»

خانم آکشنر نیز در پیام تصویری‌ای که روز پنج‌شنبه، ۹ فبروری، در یکی از محلات آسیب‌دیده ثبت کرده، مدعی شده که دولت در ۲۰ سال گذشته در کار مبارزه با حوادث طبیعی عقب‌گرد داشته است. خانم آکشنر گفته است که سیستم تک‌فردی اردوغان جای دولت را گرفته و حافظه تاریخی دولت در مبارزه با حوادث از بین رفته است. او در سخنرانی‌اش ادعا کرده که در گذشته دولت علاوه بر کارمندان اداره مبارزه با حوادث (افاد)، حداقل ۳۰ هزار فرد آموزش‌دیده مردمی داشت که بین سنین ۱۵ تا ۲۵ سال عمر داشتند و همیشه آماده کمک بودند. اکنون به گفته او، غیر از اداره افاد، هیچ نیروی مردمی آماده و آموزش‌دیده وجود ندارد و با گذشت چهار روز، هنوز نیروی کافی برای رسیده‌گی به زلزله‌زده‌گان مهیا نشده است. وی اردوغان و حزبش را متهم کرده که به‌جای تلاش برای اتحاد در مبارزه با فاجعه، می‌کوشند تا مانع تحرک شهرداری‌ها و احزاب مخالف شوند و کار رسیده‌گی به زلزله‌زده‌گان را در انحصار حزب و حکومت خود نگه دارند.



عکس: رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه و رهبر حزب عدالت و توسعه.

آقای اردوغان از مارچ سال ۲۰۰۳ به این‌سو، صدراعظم و بعد رییس‌جمهور کشور بوده است. او را قدرتمندترین رییس دولت پس از مصطفی کمال اتاترک، بنیان‌گذار جمهوری ترکیه، می‌خوانند. او

نجات افراد به نشر می‌رسید و رسانه‌ها برای تلطیف احساسات مردم، هر مورد از نجات را چون معجزه‌ای تبلیغ می‌کردند و ماموران نجات نیز از دیدن آدم‌های زنده در زیر آوار احساساتی شده گاهی به زانو درآمده، می‌نشستند و اشک می‌ریختند. گفته می‌شود که این زلزله بخشی از سرزمین ترکیه را که هم از نظر نفوس و هم از لحاظ وسعت جغرافیایی بزرگ‌تر از تعدادی از کشورها است، برای همیشه تغییر داده و اثرات آن بر اجتماع و سیاست کشور پایدار خواهد بود.

تأثیرات احتمالی زلزله بر سیاست و اجتماع ترکیه در پایان سده جمهوری‌پیش با بحران‌های کم‌سابقه مواجه شده است. چند میلیون مهاجر سوریه و برخی کشورهای دیگر در ترکیه به سر می‌برند، همه‌گیری کرونا اثرات ویران‌گر بر اقتصاد کشور به‌جا گذاشته، جنگ اوکراین بر بازار و صنایع تولیدی ترکیه تأثیرات عمیق گذاشته، رابطه دولت ترکیه با اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر سیر نزولی پیموده و سیاست‌های پولی چند سال اخیر دولت که گفته می‌شود برای کاهش وابستگی اقتصاد به ارز خارجی (دالر) روی دست گرفته شده و مخالفان بسیار در درون دولت و میان اپوزیسیون دارد، نرخ لیره ترکیه را در برابر ارزهای خارجی بسیار کاهش داده و کارشناسان اقتصادی می‌گویند که این سیاست، اعتماد سرمایه‌گذاران را به شدت کاهش داده و انفلاسیون کم‌سابقه را به بار آورده است.

با این‌حال، ترکیه در یک سده اخیر راه درازی را پیموده است. شاخص توسعه انسانی (زنده‌گی سالم و طولانی، دسترسی به دانش و اشتغال) بسیار بالاتر از کشورهای منطقه و نزدیک به کشورهای توسعه‌یافته شده است. تولید ناخالص داخلی‌اش نزدیک به یک تریلیون دالر تخمین می‌شود. زیربناها و صنایع مدرن شده و محصولات ترکی در منطقه و برخی کشورهای اروپایی بازار خوب دارد. علی‌رغم سنت دیرینه انحصار سیاسی که در آن اردو یا حزبی برای سال‌ها قدرت را و در نتیجه اقتصاد و منابع کشور را در انحصار خود می‌گرفته است، نهادهای مردمی و سازمان‌های اجتماعی نسبتاً نیرومند در جامعه ترکیه وجود دارند و طبقه متوسط در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار نیرومندتر و از نظر عددی بزرگ‌تر است. این‌ها جامعه را انعطاف‌پذیر و توانمند ساخته است؛ به‌گونه‌ای که تردید چندانی نسبت به توانایی ترکیه در بازسازی مناطق آسیب‌دیده وجود ندارد و ناظران بین‌المللی و سیاست‌مداران دولتی و اپوزیسیون داخلی همه توافق دارند که کار بسیار بزرگ، اما انجام‌شدنی پیش روی جامعه و دولت این کشور قرار دارد.

زلزله اخیر، میدان سیاست کشور را نیز به شدت تکان داده است. تأخیر در رسیده‌گی به ابعاد وسیع فاجعه، ممکن است نارضایتی‌ها را در مناطقی که به‌طور سنتی پایگاه سیاسی حزب عدالت و توسعه شمرده می‌شوند، افزایش دهد. بدون شک، حتا اگر دولت تمام امکاناتش را به بهترین وجه ممکن به‌کار ببندد و کمک‌های بین‌المللی لازم هم دریافت شود، بازهم رسیده‌گی به قربانیان و بازسازی منطقه زمان خواهد برد و میلیون‌ها انسان در این مدت رنج و عذاب بسیار متحمل خواهند شد. رییس‌جمهور ترکیه در سخنرانی شام پنج‌شنبه، ۹ فبروری، زلزله اخیر را بزرگ‌ترین فاجعه طبیعی تاریخ آن مناطق خوانده، گفت که بعد از قهرمان‌ماراش که

مرکز اصلی زلزله بود، ولایت حتای بیشترین آسیب را متحمل شده است. او تعداد قربانیان را تا شام ۹ فبروری، ۱۶ هزار و ۵۴۶ تن اعلام کرد. روز جمعه متأسفانه رقم تلفات بسیار بیشتر شده بود و گفته می‌شد که به بیش از ۱۹ هزار رسیده است. تعداد زخمی‌ها را ۶۶ هزار و ۱۳۲ تن خواند؛ در حالی که این روز جمعه به ۷۷ هزار و ۷۱۲ تن افزایش یافت. اردوغان گفت که در کل منطقه شش هزار و ۴۴۴ ساختمان تخریب شده است. به گفته اردوغان، منطقه‌ای به وسعت ۵۰۰ کیلومتر مربع که در آن ۱۳.۵ میلیون تن زنده‌گی می‌کردند، از زلزله متاثر شده است. اردوغان و حزبش می‌کوشند این تهدید را با انجام فعالیت‌های فوق‌العاده و بازسازی تلاش دارند تا خلاهای دولت اردوغان را که در میدانی به بزرگی این فاجعه بیشتر از پیش نمایان می‌شود، برجسته ساخته و زمینه را برای پایین کشیدن حریف دیرینه‌شان از قدرت مهیا کنند.

سوال‌های بسیاری در رسانه‌ها و محافل سیاسی مطرح می‌شود. آیا دولت برای کاهش تأثیرات این فاجعه بر سرنوشت سیاسی اردوغان، انتخابات را به تعویق نخواهد انداخت؟ آنان می‌دانند که سه ماه بعد، زخم‌های این حادثه بزرگ همچنان خون‌چکان خواهد بود و این مدت، برای برگرداندن اوضاع به حالت عادی کافی نیست. در عین حال، بازسازی ۱۰ شهر و صدها روستا که قرار است امسال انجام گیرد، فرصت بزرگی برای مانور سیاسی و جلب حمایت مردم خواهد بود. میلیاردها دالر پول ملی و نیز کمک‌های جهانی قرار است امسال در این مناطق مصرف شود و واگذاری چنان فرصت به حریفان و ترک احتمالی قدرت در شرایطی که دولت جدید مشغول بازسازی و مانور باشد، از نظر سیاسی هوشیارانه خواهد بود. لذا، رییس‌جمهور اردوغان و حزبش برای بردن یا تأخیر انتخابات، بیش از گذشته انگیزه خواهند داشت. همین انگیزه را مخالفان نیز دارند و کلیچدار اوغلو شمشیرش را از غلاف کشیده است و اعلام کرده که «اردوغان با تو تا آخر مبارزه خواهیم کرد!»

حوادث بزرگی چون این، معمولاً جامعه را قطبی‌تر کرده و تندروی‌ها را افزایش می‌دهد. ترکیه امروز بر دو گسل خطرناک تندروی (ناسیونالیسم افراطی و تندروی مذهبی) ایستاده است. این کشور سال‌ها گذرگاه تندروران بین اروپا و شرق میانه بوده و در دهه اخیر، در مرزهای شرقی‌اش خون‌بارترین جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی جریان داشته است که دولت و جامعه ترکیه نیز از طریق سیل مهاجران، دخالت مستقیم در مناقشات و حضور احتمالی تندروران بیگانه در خاک ترکیه به آن تنش‌ها آغشته شده‌اند. حالا اگر به هزاران خانواده آسیب‌دیده در منطقه نسبتاً محروم، رسیده‌گی به‌موقع صورت نگیرد، آیا احتمال گرایش‌های تندرورانه و نفوذ گروه‌های افراطی میان آنان افزایش خواهد یافت؟ در سوی دیگر آیا نیروهای ملی‌گرای افراطی احساس نخواهند کرد که غرور ملی‌شان آسیب دیده و باید به‌پا خیزند؟

این زلزله در نامناسب‌ترین زمان ممکن اتفاق افتاده است. امید می‌رود که ملت ترکیه بار وقایع آن را موفقانه و با هوشمندی به دوش کشند و به حرکت در مسیر توسعه و دوری از تندروی ادامه دهند. ترکیه توسعه‌یافته و عاری از تندروی به سود منطقه و جهان است.

امیرحسین عبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران، گفته است که ملت ایران بارها ثابت ساخته که این کشور سرزمین کودتای مخملی نیست. وزیر امور خارجه ایران، این مطلب را ناوقت روز جمعه، ۱۰ فیبروری، به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در توییتهی بیان کرده است. آقای عبداللهیان گفته است: «در چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، همه باهم برای اعلام همبستگی و جشن غرور و افتخار ایران و ایرانی به پا خاسته‌ایم.» ظاهراً وزیر امور خارجه ایران این اظهارات را در خصوص اعتراضات مردمی اخیر در این کشور بیان کرده است که از سوی چهره‌های اپوزیسیون و معترضان ایرانی، انقلاب نام گرفته است.



اتحادیه اروپا به حمایت درازمدت از اوکراین توافق کرد

رهبان اتحادیه اروپا در نشست توافق کردند که از اوکراین در برابر تهاجم روسیه حمایت می‌کنند. در نشست ۱۶ ساعته اتحادیه اروپا که روز جمعه، ۱۰ فیبروری، پایان یافت، ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین نیز حضور داشت و از رهبان اتحادیه اروپا خواست تا پس از پیروزی در مقابل روسیه، اوکراین را به عضویت این اتحادیه بپذیرند. به گزارش آسوشیتدپرس، رهبان اتحادیه اروپا در این نشست همچنان توافق کردند که در ماه آینده کمک‌های تسلیحاتی به اوکراین را افزایش دهند. در همین حال، امانوئل مکران، رئیس‌جمهور فرانسه، گفته

که رهبان اتحادیه اروپا با حمایت خستگی‌ناپذیر از اوکراین در درازمدت برای پیروزی در جنگ موافقت کردند. از سوی دیگر، مکران از تحویل‌دهی جنگنده‌های فرانسوی در هفته‌های آینده به اوکراین اطمینان نداد، اما تأکید کرد که کشورش ممکن است تحویل‌دهی تجهیزات دیگر مانند توپ‌خانه‌ها و سامانه‌های موشکی را تشدید کند. زلنسکی در نشست اتحادیه اروپا از نخست‌وزیر اسلواکی خواست تا هواپیماهای جنگنده میگ-۲۹، متعلق به دوران

شوروی را به اوکراین بدهد. نخست‌وزیر اسلواکی، اما گفت که این طرح را بررسی خواهند کرد. از سوی هم، چارلز میشل، رئیس شورای اتحادیه اروپا، گفت که آنان باید با بخش صنعتی برای تسریع روند تولید مهمات همکاری کنند. نشست اتحادیه اروپا در حمایت از اوکراین در حالی برگزار می‌شود که کارشناسان نظامی از آغاز دور جدید تهاجم روسیه بر اوکراین هشدار داده‌اند.



آنتونوف: وزارت خزانه‌داری آمریکا کاری جز تحریم شهروندان روس ندارد

در پی تحریم یک گروه هکری روسیه از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا، سفیر روسیه در واشنگتن دی‌سی نسبت به ادعای آمریکا مبنی بر این‌که روسیه پناه‌گاه هکرها و مجرمان سایبری است، واکنش نشان داده است. براساس گزارش تاس، آنتونوف، سفیر روسیه در آمریکا، روز جمعه، ۱۰ فیبروری، گفته است که جرایم سایبری تنها با تلاش متقابل قابل شکست است. او اظهارات وزارت خزانه‌داری آمریکا را نادرست و غیرمسئولانه خوانده است. آمریکا روز گذشته گروه هکری روسی (Trickbot) را تحریم کرد.

آنتونوف افزوده است: «به نظر می‌رسد خزانه‌داری آمریکا کاری جز اعمال تحریم علیه شهروندان روسیه ندارد. همه این‌ها به روشی بسیار ناشایسته انجام می‌شود بدون استدلال و مدرک.»

سفیر روسیه در واشنگتن گفته است که کشورش آماده‌گی خود را برای همکاری با آمریکا در زمینه امنیت سایبری با حمله بر یک گروه بزرگ به درخواست این کشور ثابت کرده است. از سوی دیگر او گفته است که در سال ۲۰۲۲ حدود ۵۰ هزار حمله هکری در روسیه دفع شده که بیشتر آن‌ها از خاک آمریکا انجام شده است. گفتنی است که اخیراً تنش‌ها میان مسکو و واشنگتن بر سر قضیه اوکراین تشدید شده و تحریم‌های واشنگتن بر شهروندان روس نیز بر شدت این تنش افزوده است.

فرانسه و پاکستان نقشه راه همکاری‌های دوجانبه امضا کردند

با تروریسم، مهاجرت، تغییرات آب‌وهوا و حوزه‌های چندجانبه، بر بنیاد نقشه راه عمل خواهند کرد. وزارت امور خارجه پاکستان گفته است که هیات این کشور با مقام‌های فرانسوی در مورد صلح و ثبات منطقه و وضعیت افغانستان نیز گفت‌وگو کرده است. در مورد جزییات گفت‌وگوی دو طرف در مورد وضعیت افغانستان جزییات داده نشده است. پاریس و اسلام‌آباد متعهد بر حفظ همکاری دفاعی طولانی‌مدت و تقویت مبارزه با تروریسم نیز شده‌اند. قرار است دور پانزدهم این گفت‌وگوها که بررسی‌کننده روابط دو کشور در ابعاد مختلف است، سال آینده در اسلام‌آباد برگزار شود.

همکاری‌های دوجانبه میان مسکو و اسلام‌آباد خبر داده است. این وزارت جمعه‌شب، ۱۰ فیبروری، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که سند تنظیم‌کننده همکاری‌های دوجانبه در چهاردهمین دور رای‌زنی‌های سیاسی میان هیات‌های دو کشور به امضا رسیده است. بر بنیاد اطلاعات خبرنامه، اسمجدید خان، نماینده هیات پاکستانی و آن‌ماری دسکوت به نیابت از جانب فرانسه، در پاریس پای این نقشه راه امضا کرده‌اند. براساس این سند، فرانسه و پاکستان پس از این در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، توسعه، علم و فناوری، آموزش، فرهنگ، گردشگری، دفاع، امنیت، مبارزه



وزارت امور خارجه پاکستان از امضای نقشه راه برای ادامه

شمار قربانیان زمین‌لرزه‌ها در ترکیه و سوریه از ۲۱ هزار تن گذشت



سه روز پیش، زمین‌لرزه‌ای با قدرت ۷.۸ ریشتر بخش‌هایی از ترکیه و سوریه را لرزاند و منجر به کشته و زخمی شدن هزاران تن شد.

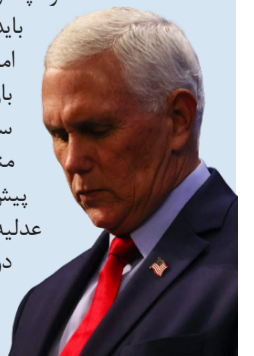
در پی وقوع زمین‌لرزه‌های مرگبار در ترکیه و سوریه، آمارهای تازه نشان می‌دهد که شمار قربانیان این رویداد طبیعی در حال افزایش است. الجزیره روز جمعه، ۱۰ فیبروری، به نقل از فوات اوکتای، معاون رئیس‌جمهور ترکیه، گزارش داده است که تنها ۱۷ هزار و ۶۷۴ تن در ترکیه کشته شده‌اند. رقم کشته‌شده‌گان در سوریه نیز به سه هزار و ۳۷۷ تن می‌رسد. با این حال، طبق گزارش‌ها، رقم قربانیان در حال افزایش در پی این رویداد طبیعی، شماری از کشورها برای نجات

مردم از زیر آوارها، نیروی کمکی به ترکیه فرستاده‌اند. در این میان اما سوریه به امدادگران و تجهیزات بیشتر برای بیرون آوردن اجساد از زیر آوارها نیاز دارد. در همین حال، به گفته برخی از سازمان‌های کمک‌رسان، این روند در سوریه با کندی مواجه است، زیرا مناطق زلزله‌زده زیر کنترل شبه‌نظامیان ضد دولت قرار دارد. از سوی هم، بانک جهانی در اعلامیه‌ای از بسته کمکی ۱.۷۸ میلیارد دلاری به ترکیه خبر داده است تا بتواند در زمینه کمک‌رسانی به مناطق متضرر به مصرف برساند. در همین حال، شهروندان ترکیه از کندی روند کمک‌رسانی و عملیات نجات شاک‌ی‌اند و دولت اردوغان را مقصر می‌دانند.

ادامه کشف اسناد طبقه‌بندی شده از منازل افراد رده‌اول آمریکا؛ این بار خانه مایک پنس بررسی شد

پولیس فدرال آمریکا از خانه مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور پیشین این کشور، اسنادی را با مهر طبقه‌بندی‌شده پیدا کرده است. یک مقام وزارت عدلیه آمریکا در توافق با مایک پنس خانه او در ایندیاناپولیس را روز جمعه، ۱۰ فیبروری، بررسی کرده و در نتیجه به اسناد محرمانه دست یافته است. وکیل پنس گفته است که برای دریافت این اسناد با تیم تحقیقاتی همکاری کرده‌اند. طی این بررسی علاوه بر اسناد محرمانه با علامت طبقه‌بندی‌شده، شش صفحه از اسناد دیگر نیز به دست اف‌بی‌آی افتاده است.

تفتیش خانه پنس در حالی صورت می‌گیرد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق و جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، با بازجویی‌های دو بازرس ویژه بر سر نگه‌داری سوابق طبقه‌بندی‌شده در منازل‌شان روبه‌رو هستند. پیش از این ماموران وزارت عدلیه آمریکا اسناد فوق محرمانه دولتی را از منزل دونالد ترامپ و جو بایدن پیدا کرده بودند.



فرهاد میثمی پس از اعتصاب غذایی طولانی از زندان آزاد شد

می‌برند. محمد مقیمی، وکیل فرهاد میثمی، به رسانه‌ها گفته است که از آقای میثمی خواسته شده بود تا برای آزادی وثیقه بسپارد، اما او نپذیرفت و در نهایت بدون سپردن وثیقه آزاد شد. فرهاد میثمی یکی از نمونه‌های وضعیت زندانیان معترض به سیاست‌ها جمهوری اسلامی ایران است که پس از یک زمان طولانی آزاد شده است. میثمی در سال ۱۳۹۷ به اتهام فعالیت ضد نظام جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده بود.

پس از نشر تصاویری از فرهاد میثمی، فعال معترض ایرانی، در یکی از زندان‌های ایران، رسانه‌های این کشور گزارش داده‌اند که او آزاد شده است. رسانه‌های ایرانی روز جمعه، ۱۰ فیبروری، از آزادی وی بدون قید و شرط و قرار وثیقه خبر داده‌اند. تصاویر منتشرشده از میثمی نشان از وضعیت صحت ناگوار وی در پی اعتصاب غذایی طولانی در زندان رجایی‌شهر ایران بود که واکنش‌های زیادی را برانگیخت. خواست این زندانی معترض آزادی زندانیان سیاسی بود که هم‌اکنون ده‌ها تن از آنان در زندان‌های ایران به سر

